



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما در بحثمان ابتدا بر اساس آیات قران (آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ از سوره نساء) فرض ها یعنی نصف و ربع و ثمن و ثلثان و ثلث و سدس و همچنین فرض برها را ذکر کردیم و گفتیم که ۱۵ نفر فرض بر هستند اما باید توجه داشته باشیم که وارث منحصر در اینها نیست بلکه کسانی داریم که در قران سهمی برای آنها ذکر نشده ولی از اخبار اهل بیت علیهم السلام سهم آنها استفاده می شود مثلا در قران برای جد و اجداد یا اعمام و احوال سهمی ذکر نشده بلکه این موارد از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود بنابراین وارثین را اینطور تقسیم می کنیم که یا فرض بر هستند و بر اساس فروض مقدره در قران ارث می برند یا بالقرابة ارث می برند که طبقات و خصوصیات این قرابت نیز از اخبار استفاده شده است.

در مواردی که سهام مقدره در قران ندارند باید به عدد رؤوس و سهام آنها که در روایات ذکر شده توجه کنیم مثلا شخصی از دنیا رفته و پنج عمو دارد که در اینصورت مال به پنج قسمت تقسیم می شود و یا مثلا اگر عمو و عمه دارد عموها دوبرابر عمه ها ارث می برند.

خب و اما در مواردی که فرض بر هستند گاهی فرض برهای متعددی در بین است مثل زوج و اُخت ولی گاهی فرض بر واحد است و بحث فعلی ما نیز در همین موردی است که فرض بر واحد می باشد البته باید توجه داشته باشیم که در قران کریم ما فرض بر واحدی که تمام

ارث به او برسد نداریم لذا باید ببینیم در صورتی که فرض بر واحد است بقیه مال را چه باید بکنیم که این صورتی دارد، مثلا زنی از دنیا رفته و پنج پسر دارد خب چون فرزند دارد شوهرش ربع می برد و بقیه متعلق به پسرهایش می باشد، در اینجا فریضه را ربع در نظر میگیریم و یک چهارم از آن مال شوهر است و سه چهارم باقی می ماند که در اینجا کسر بوجود می آید، البته گاهی کسر لازم نمی آید مثلا زنی از دنیا رفته درحالی که اولاد ندارد ولی یک اُخت واحده دارد خب در اینصورت شوهرش نصف و اُخت واحده هم می برد که در اینجا هر دو فرض بر هستند و کسر نیز لازم نمی آید.

کلام صاحب جواهر در این رابطه را می خوانیم تا مطلب روشن شود: «وعلی کل حال فالفروض الستة المذكورة إما أن يقع في المسألة واحد منها أو اثنان فصاعدا، فإن لم يقع فيها إلا واحد فالمخرج المأخوذ من ذلك الكسر هو أصل المسألة، فالنصف من اثنين، والثلث من ثلاثة، والرابع من أربعة، وعلی هذا القياس»^۱.

خب و اما بعد از اینکه فهمیدیم سهم فرض برها را چگونه باید در نظر بگیریم و بنویسیم همانطور که عرض کردیم گاهی فقط یک فرض بر داریم که خب در اینصورت قطعا همه مال به او نمی رسد لذا باید ببینیم که بقیه مال به چه کسی می رسد مثلا زنی از دنیا رفته و یک شوهر و یک برادر دارد که خب شوهرش نصف مال را ارث می برد و اما برادر نیز نصف دیگر را بالقرابة ارث می برد که در اینصورت کسر لازم نمی آید،

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۵، ط ۴۳ جلدی.

در بسیاری از موارد همینطور است یعنی بعد از اینکه فرض بر سهم خود را بر می دارد باقی مال به صورتی است که با سهام و عدد رئوس باقی ورثه هماهنگ است و کسر لازم نمی آید اما گاهی اینطور نیست مثلاً زنی از دنیا رفته و شوهر و پنج برادر دارد که خب در اینصورت شوهر نصف یعنی یک دوم می برد و یک دوم دیگر برای پنج برادر باقی مانده که خب در اینجا یک دوم با پنج هماهنگی ندارد، در چنین مواردی عدد رئوس و سهامشان را باید در نظر بگیریم اگر همگی مرد هستند یا همگی زن هستند بالسویة ارث می برند اما اگر مرد و زن هستند مردها دوبرابر زن ها ارث می برند، اما در مثال مذکور عدد رئوس پنج برادر را در نظر می گیریم که ۵ است و بعد ۵ را ضرب در ۲ می کنیم حاصل ضرب می شود ۱۰ که نصف آن یعنی پنج دهم را به شوهر می دهیم و پنج دهم باقیمانده برای پنج برادر است که به هر کدام یک پنجم می دهیم و درست می شود و این یک قاعده کلی در تقسیم می باشد.

مثال دیگر اینکه مثلاً شخصی از دنیا رفته درحالی که پنج پسر و یک پدر دارد که در اینجا پدر سلس یعنی یک ششم می برد لذا اصل مال به ۶ قسمت تقسیم می شود و یک ششم مال پدر است و پنج ششم باقی مانده متعلق به پنج پسر است و هر کدام یک ششم ارث می برند و درست می شود، اما اگر در همین مثال پسرها ۷ نفر باشند در اینصورت کسر لازم می آید زیرا پنج ششم باقیمانده باید بین ۷ پسر تقسیم شود که جور در نمی آید، خب در اینصورت ۷ را در ۶ ضرب می کنیم که حاصل ضرب می شود ۴۲ و از این ۴۲ سهم یک ششم یعنی ۷ سهم را به پدر می دهیم و ۳۵

سهم باقی می ماند که به هر پسر ۵ سهم می دهیم و درست می شود، بنابراین قاعده کلی این است که ما باید فرض بر را در نظر بگیریم و یک کسر متعارفی ترتیب بدهیم و در کسر متعارفی فرضی که فرض بر دارد را معین می کنیم و صورت و مخرج ترتیب می دهیم و بعد سراغ بقیه می رویم که خب بقیه فرض بر نیستند اما سهام و رئوسشان معلوم است که در اینصورت عدد رئوس و سهام آنها را در مخرج اولیه ای که بدست آوردیم ضرب می کنیم و بر اساس آن مال را تقسیم می کنیم البته باید توجه داشته باشیم که وقتی ضرب شد رقم وسعت پیدا می کند و بالا می رود و کلاً ضرب در اینجا خیلی به ما کمک می کند.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهرین